

بررسی نقش ارزشیابی آموزشی در توسعه نظام آموزش عالی افغانستان

عبدالجمیل عرفان^۱ | علی شاه فائق^۲

چکیده

توسعه و پیشرفت آموزش عالی، از آن دسته مسائل مورد اهتمام همه کشورهای است. تحقق این هدف، نیازمند فراهم آوردن عواملی است که به نظر می‌رسد ارزشیابی آموزشی یکی از مهم‌ترین آن عوامل باشد. با توجه به این نکته، این تحقیق درصدد بررسی رابطه این دو پدیده در افغانستان است و اینکه تا چه میزان ارزشیابی آموزشی، نقشی در توسعه آموزش عالی دارد. در واقع امروزه آموزش عالی با کیفیت، از دغدغه‌های مهم نظام‌های آموزشی دنیا است؛ زیرا ارزشیابی وسیله مناسبی برای اصلاح هدف‌ها، برنامه‌ها، شیوه‌های تدریس و تغییر نظام آموزشی و کیفی‌سازی آن است. بنابراین هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش ارزشیابی آموزشی در توسعه و پیشرفت نظام آموزش عالی افغانستان است. محقق از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش توصیفی-تحلیلی برای تحلیل و سنجش داده‌ها استفاده کرده تا بتواند به هدف مورد نظر پژوهشی برسد. در روش کتابخانه‌ای از منابع معتبری چون کتاب‌ها و اسناد چاپی، سایت‌ها و نشریات علمی استفاده شده و اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر تأیید نقش مؤثر ارزشیابی آموزشی در توسعه آموزش عالی در افغانستان است و در این بستر، شکل‌گیری و کارکردهای ریاستی با عنوان «ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی» مؤید محکم بر وجود این نقش است.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، ارزشیابی آموزشی، توسعه آموزشی، آموزش عالی

۱. ماستر مدیریت آموزشی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)
۲. دکتری تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.



مقدمه

ارزشیابی فعالیت نظام‌داری است که طی آن ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری تعیین می‌شوند؛ اطلاعاتی درباره وضعیت موضوع یا پدیده مورد نظر فراهم می‌آیند و با مقایسه این دو (وضع موجود و ملاک‌ها)، از ارزش و سودمندی موضوع یا پدیده خبر داده می‌شود. براین اساس کسی که به کار ارزشیابی اقدام می‌کند، نیازمند آن است که تصمیم بگیرد که از کدام منابع و با چه شیوه‌ای ملاک‌های ارزش‌گذاری را انتخاب کند، چگونه اطلاعات لازم درباره موضوع یا پدیده مورد بررسی را به دست آورد و تحلیل کند، درعین حال یافته‌های حاصل از فعالیت خود را چگونه و به چه مراجعی عرضه نماید تا در جهت اعتلای وضع موجود، مورد استفاده قرار گیرند. (موسی پور، ۱۳۸۱) هم‌چنین ارزشیابی را می‌توان چنین تعریف کرد: «ارزشیابی به فرایند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود که در آن تعیین شود آیا هدف‌های مورد نظر تحقق یافته یا در حال تحقق یافتن است و به چه میزانی». (سیف، ۱۳۹۲: ۳۸)

نظام‌های آموزش عالی به‌عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری در عرصه نیروی انسانی، نقش اصلی را در تربیت و تأمین سرمایه انسانی کارآمد به عهده‌دارند. این نظام‌ها سهم قابل توجهی از بودجه هر کشور را به خود اختصاص داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارند. از این‌رو اطمینان از کیفیت مطلوب آن‌ها به‌منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه انسانی و مادی و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده که در آن کیفیت، مهم‌ترین مؤلفه برای ادامه هر سازمان است ضرورت انکارناپذیر دارد. (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۲) نشر، توسعه و تولید دانش مفید در جوامع نیازمند نظام آموزشی کارآمد و عصری، امر ضروری است. در عصر حاضر هر جامعه‌ای که خود را با پیشرفت روزافزون فناوری هم‌نوا نکند، از قافله توسعه باز خواهد ماند. بدون شک هماهنگ ساختن نظام آموزشی، به‌خصوص نظام آموزش عالی و مجهز ساختن آن با سیستم نوین آموزشی، ما را به توسعه آموزش عالی نزدیک خواهد کرد. عامل بنیادین توسعه



ملی را می‌توان در نظام آموزشی سالم، جستجو کرد. در حقیقت باید هر چیزی از منبع پاک و سالم تراوش نماید و تولید و توسعه دانش نیز همین‌طور است. دانش و توسعه اگر از یک سیستم ناسالم و مریض تولید شود، بدون شک مفید نخواهد بود. بنابراین تهداب و اساس دانش باید سالم گذاشته شود؛ به قول صائب تبریزی:

چون گذارد خشت اول بر زمین معمار کج
گر رساند بر فلک، باشد همان دیوار کج

با توجه به اهمیت و ضرورت بحث، این عنوان مورد بحث، انتخاب شده است؛ زیرا نظام آموزشی افغانستان، بزرگ‌ترین مرجعی است که برای آموزش عالی در کشور خدمات ارائه می‌نماید و مسئولیت آموزش سرمایه انسانی افغانستان را بر عهده دارد. بنابراین اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: اول، به لحاظ نظری که مربوط به توسعه دانش می‌شود و دوم، از لحاظ کاربردی این تحقیق را می‌توان برای ایجاد نظام آموزش عالی توسعه‌یافته به کار برد. با این بیان، هدف این تحقیق بررسی نقش ارزشیابی آموزشی در توسعه نظام آموزش عالی و حصول آگاهی در مورد ارزشیابی آموزشی است. با توجه به سؤال تحقیق که «ارزشیابی آموزشی چه نقشی در توسعه نظام آموزش عالی افغانستان دارد؟» باید گفت که به نظر می‌رسد ارزشیابی آموزشی نقش بسیار مهم در توسعه نیروی انسانی دارد که این توسعه به آموزش عالی با کیفیت برمی‌گردد.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که به صورت نادر در مورد ارزشیابی آموزشی پرداخته شده است؛ اما در مورد اینکه ارزشیابی آموزشی چه نقشی بر توسعه آموزش عالی افغانستان دارد تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. از جمله تحقیقاتی که می‌توان مرتبط به موضوع فعلی دانست مقاله تحت عنوان «نگرشی بر مبانی ارزشیابی آموزشی تربیتی برنامه درسی است». (عبدالرقيب جهيد، ۱۳۹۸) تفاوت تحقیق فعلی با تحقیق فوق این است که تحقیق فعلی، توسعه نظام آموزش عالی را در پیوند به ارزشیابی آموزشی بررسی کرده است؛ اما آن تحقیق تنها برنامه‌های درسی را مورد ارزشیابی قرار داده است.

در نتیجه باید گفت تعدیل و تغییر نظام آموزش عالی برای توسعه آن با توجه به تغییراتی که در جهان اتفاق می‌افتد، یک اصل است و بدون ارزیابی و ارزشیابی آموزشی نمی‌توان برای جامعه نظام آموزشی ایدئال تعیین نمود. در واقع زمانی که تحولات اجتماعی اتفاق می‌افتد، کشور پیشرفته‌تر می‌شود و تکنولوژی‌های جدید به میان می‌آید، نظام آموزشی هم با توجه به این تغییرات باید خود را سازگار بسازد. مثلاً نمی‌توان نظام آموزشی یک قرن قبل را در حال حاضر استفاده کرد؛ زیرا یک قرن قبل با امروز خیلی تفاوت دارد. نظام آموزشی امروز باید با توجه به ضروریات امروزی ساخته شود و در نهایت با تغییرات و تحولات نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشور نظام آموزشی هم باید تغییر کند و با تحولات جدید باید خود را وفق دهد.

۱. مفاهیم

۱-۱. ارزشیابی

ارزشیابی می‌تواند تعیین ارزش هر چیزی باشد. ما می‌توانیم در زندگی اجتماعی از کالاهای اقتصادی گرفته تا خدمات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تحصیلی و سایر کارها و عمل‌های خود را ارزشیابی کنیم. بر این اساس، ارزشیابی عبارت از تعیین ارزشی است که بر کالا، خدمات و... گذاشته می‌شود. بنابراین از ارزشیابی و ارزشیابی آموزشی تعاریف زیادی از طرف دانشمندان و نویسندگان صورت گرفته است که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم.

در فرهنگ بزرگ سخن آمده که ارزشیابی عبارت است از تعیین کردن ارزش چیزی بر اساس ضوابط و مقرراتی خاص. (انوری، ۱۳۸۲، ۱: ۳۲۷) به عبارت دیگر ارزشیابی به یک فرایند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود. به این منظور که تعیین شود آیا هدف‌های مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی. (سیف، ۱۳۹۲: ۳۸) بنابراین در تعریف ارزشیابی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و تعریف مورد نظر این تحقیق، تعریف دو تن از صاحب‌نظران



در حوزه ارزشیابی آموزشی است که گفته‌اند: «در آموزش و پرورش ارزشیابی به یک فعالیت رسمی گفته می‌شود که برای تعیین کیفیت، اثربخشی یا ارزش یک برنامه، فرآورده، پروژه، فرایند، هدف، یا برنامه درسی به اجرا درمی‌آید». (سیف، ۱۳۹۲: ۳۷)

با این تعاریف، دنیای مدرن دنیایی است که کالا و خدمات مدام ارزشیابی می‌شوند. در واقع اشیا و خدماتی که ما استفاده می‌کنیم، باید مورد ارزشیابی قرار بگیرند تا کشف شود که برای ما چه اندازه ارزش دارد. آیا این کالا و خدمات آخرین انتخاب ما باید باشد یا جایگزین بهتری هم وجود دارد؟ آیا جایگزین مورد نظر اقتصادی‌تر و باکیفیت‌تر است؟ آیا کالا و خدماتی که استفاده می‌کنیم یا حتی ارائه می‌کنیم، چقدر ارزش انتخاب توسط خودمان و مشتری یا استفاده کننده را دارد؟ آیا کالا و خدماتی که استفاده و ارائه می‌کنیم، به روز است یا به روزتر از این هم در بازار وجود دارد؟ بخش مهمی از این سؤالات و سایر سؤالاتی که انسان در مورد ارزش کالا و خدمات باید بداند، متوجه کالای سواد و آموزش و نظام آموزشی است.

۲-۱. ارزشیابی آموزشی

وقتی پسوند «آموزشی» به ارزشیابی اضافه می‌شود، به این معنا است که در این مورد مشخص، کالا و خدمات آموزشی مورد ارزش‌یابی قرار می‌گیرد. در واقع ارزشیابی آموزشی، شاخه علمی حوزه تخصصی علوم تربیتی است که به عنوان جوان‌ترین شاخه این حوزه از علوم، در راستای ارتقای کیفیت نظام‌های آموزشی در دهه ۱۹۵۰ متولد شده و پس از آن به مرور رشد یافته و فراگیر شده است. (زارعی زوارکی، ۱۳۹۶: ۱۹) بنابراین این شاخه علمی در سایر کشورها هم از قدمت خیلی زیادی برخوردار نیست و آن را می‌توان یک شاخه علمی جدید در حوزه تخصصی علوم تربیتی در جهان دانست.

۳-۱. نظام آموزش عالی

نظام آموزش عالی، یکی از نظام‌های مهم و حیاتی یک کشور محسوب می‌شود.

این نظام مسئولیت تربیت متخصصین را در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صحتی بر عهده دارد و یکی از نهادهای کلیدی در عرصه آموزش عالی در یک کشور به حساب می‌رود. تربیت سرمایه اجتماعی دانا و متخصص و مولد توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور به عهده آموزش عالی است. آموزش عالی، به سبب اثرات اقتصادی، بیش‌تر از سایر دوره‌های تحصیلی مورد توجه قرار گرفته است و یکی از علل اصلی توسعه کشورهای قلمداد شده است. (آرانی، ۱۳۹۶: ۲۱۹)

در گذشته آموزش تنها برای خواندن و نوشتن بود؛ اما در عصر جهانی شدن، در اهداف آموزش تغییراتی به وجود آمده است که دیگر دولت‌ها و مردم نه تنها برای کاهش بی‌سوادی، بلکه برای تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و بسترسازی برای توسعه اقتصادی و... به آموزش توجه ویژه نموده‌اند. از این رو بسیاری از مردم مراحل تحصیلی بالاتر را ترجیح می‌دهند و سرمایه‌گذاری هنگفتی در این عرصه می‌نمایند. در عصر جهانی شدن، تحصیلات و آموزش عالی در تمام کشورهای به ویژه کشورهای در حال توسعه، به خاطر توسعه تولیدات و اقتصاد، ارتقای فرهنگی و حقوق مدنی و بالا بردن مشارکت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بر علاوه در این عصر تحصیلات عالی نوآوری، کارآفرینی، فن‌آوری و دانش مدیریت را گسترش داده است. از طرف دیگر گسترش نوآوری، کارآفرینی، فن‌آوری و دانش مدیریتی باعث توسعه تحصیلات عالی شده است. به‌طور کلی، تخصص و مهارت به‌عنوان رکن اساسی توسعه پایدار از طریق تحصیلات عالی اتفاق می‌افتد. به همین دلیل، بسیار مهم است که تمام کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به تحصیلات عالی توجه جدی نمایند. به‌روز کردن تحصیلات عالی مطابق دانش و نیازهای امروزی، قدم اساسی برای رسیدن به هدف تعیین شده است. (قره‌باغیان، ۱۳۹۶: ۱۳۵)

بنابراین آموزش عالی در عصر مدرن جزء جداناپذیر زندگی انسان است. در واقع در این عصر هر آن چیزی که انسان نیاز دارد و یا هم‌آرزو دارد توسط همین آموزش عالی برآورده می‌شود. این به معنای این است که انسان متخصص، آگاه و ماهر



سرمایه اجتماعی کلان برای جامعه است و می‌تواند از طریق همین دانش خود برای بشریت به خصوص جامعه خود خدمت نماید. در نتیجه می‌توان گفت آموزش عالی جزء اهداف کلان و بلندمدت همه کشورها محسوب می‌شود که این نشان از اهمیت آموزش عالی است.

۲. جایگاه ارزشیابی آموزشی در فرایند تعلیم و تربیت

ارزشیابی آموزشی نقش بسیار ارزنده‌ای در فرایند تعلیم و تربیت ایفا می‌کند. ارزشیابی آموزشی را می‌توان فرایند تعیین، تهیه و فراهم آوردن اطلاعات توصیفی و قضاوتی درباره ارزش یا اهمیت هدف‌های آموزشی، برنامه‌ها، عملیات و نتایج آن به منظور هدایت تصمیم‌گیری، پاسخگویی و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های آموزشی دانست که برای کاهش فاصله میان نتایج جاری و نتایج مطلوب شفافیت و کارآمد کردن نظام‌های آموزشی، اطمینان از چگونگی تحقق اهداف از پیش تعیین شده و مأموریت‌های آموزشی گام برمی‌دارد. (زوارکی و مقامی، ۱۳۹۶: ۱۹) شاید بتوان گفت که ارزشیابی آموزشی یگانه راه برای توسعه آموزش است و از طریق ارزشیابی آموزشی ما می‌توانیم به نظام مطلوب خود دست‌یابیم. چون از طریق ارزشیابی آموزشی اطلاعات موردنیاز را درباره چگونگی کیفیت نظام آموزشی و آموزش می‌توانیم کسب نماییم. در واقع ارزشیابی اطلاعات موردنیاز تصمیم‌سازان، برنامه‌های درسی فنی و دقیق را فراهم می‌آورد. مدیران، مجریان، متخصصان، معلمان، دانش‌آموزان، کارفرمایان و والدین برای اخذ تصمیم نیاز به اطلاعات دارند.

نقش و اهمیت ارزشیابی در فرایند اصلاح و رشد نظام‌های آموزشی و ایجاد ارتباط نزدیک با دستاوردهای علمی بر کسی پوشیده نیست. ایجاد نظام ارزشیابی کیفیت آموزشی، ابزاری را برای مؤسسات آموزشی فراهم می‌سازد تا به وسیله آن فعالیت‌های خود را موردبازنگری قرار دهد و نقاط قوت و ضعف را معین کند و گزینه‌های مناسب را برای اصلاح خود انتخاب نماید. میزان توجه مؤسسات به فرایند ارزشیابی بیانگر خواست این سازمان‌ها نسبت به بهبود فرایندهای جاری آموزشی و رفع کاستی‌های

موجود است. ارزشیابی ابزاری برای درک ارزش پدیده‌ها و قضاوت در مورد آن‌ها است و دانش خاص مربوط به یک موقعیت ویژه را تولید می‌کند و به ایجاد دانش تعمیم‌پذیر نمی‌انجامد. (زوارکی و مقامی، ۱۳۹۶: ۲۰) جایگاه ارزشیابی آموزشی را در فرایند تعلیم و تربیت می‌توان به دو چشم انسان مقایسه کرد. مثلاً هرگاه یک چشم انسان به هر دلیلی دید خود را از دست بدهد، به همان اندازه انسان توانایی دید خود را از دست می‌دهد. یا می‌توان ارزشیابی آموزشی را به اندازه که یک ماشین که به بنزین ضرورت دارد و بدون آن نمی‌توان از آن کار گرفت، مقایسه کرد. در واقع، اگر نظام آموزشی یا تعلیم و تربیت همیشه در یک کشور حالت یکنواخت داشته باشد و خود را با عصر جدید و نیازهای آن وفق ندهد و از مزایا و تکنولوژی روز استفاده نکند، آن کشور در عرصه‌های مختلف دچار رکود و عقب‌مانی می‌شود. ارزشیابی، ابزار راه‌کار همین بروزرسانی و خروج نظام آموزشی از حالت یکنواختی است. بنابراین نظام تعلیم تربیت به ارزشیابی آموزشی ضرورت دارد و بدون ارزشیابی آموزشی توسعه، تعدیل و تبدیل نظام آموزشی غیرممکن است.

۳. اهداف ارزشیابی آموزشی

۳-۱. اهداف کلی ارزشیابی آموزشی

نیاز است سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات بزرگ و کوچک و حتی انسان‌ها، هدف از ارزشیابی خود را واضح سازند که منظور از ارزشیابی چیست و چرا کارها، کالاها و خدمات را مورد ارزشیابی قرار می‌دهند. هرچند هدف کلی ارزشیابی واضح است؛ اما باید به صورت دقیق و جزئی اهداف خود را واضح بسازیم. این خواست زمانی محقق می‌شود که برای تحقق هر هدف، اصول مشخصی مانند اینکه هدف باید قابل پیش‌بینی باشد، هدف باید دارای محدوده زمانی باشد، هدف باید قابل دسترسی باشد، مورد توجه قرار گیرند.

در نتیجه هدف ارزشیابی آموزشی، در طول اهداف آموزش و نظام آموزشی قرار دارد و باید در زمان معین اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری سازمان‌ها، ادارات و



نهادهای تحصیلی به دست دهد تا مدیران این سازمان‌ها بتوانند برای مشتریان و دریافت‌کنندگان آموزش، خدمات و کالاهای قابل قبولی را فراهم کنند. افزون بر این، با ارزشیابی آموزشی می‌توان اهداف زیادی را برای توسعه و کیفیت نظام آموزشی، دنبال کرد. با اجرایی شدن همه اهداف که در ارزشیابی آموزشی مدنظر است، این ارزشیابی می‌تواند منجر به توسعه نظام آموزش عالی گردد. عظیمی به نقل از موسوی اهداف ارزشیابی را موارد ذیل ذکر کرده است: «جمع‌آوری اطلاعات برای اصلاح برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، حصول اطمینان آر تحقق یادگیری در دانشجویان برای ارتقا به دوره‌های تحصیلات عالی بالاتر، اصلاح جریان یاددهی و یادگیری، ایجاد مهارت و خودارزیابی به صورت فردی و گروهی، شناخت استعدادها و علایق دانشجویان، تعمیق یادگیری در فراگیران، شناخت نقاط ضعف فراگیر و برنامه‌ریزی جهت برگزاری صنف‌های جبرانی و تقویتی برای دانشجویان ضعیف».

(عظیمی، ۱۳۹۸: ۶۷)

به عبارت دیگر می‌توان گفت از طریق ارزشیابی آموزشی اهداف مختلفی را می‌توان دنبال کرد که شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی، توسعه نظام آموزشی، قضاوت در مورد نظام آموزشی، اصلاح نظام آموزشی و شناسایی از اهداف ارزشیابی آموزشی است. بدون شک اهداف نظام‌های آموزشی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، مرتباً دستخوش تغییرات بسیاری می‌شود و لازم است این اهداف متناسب با شرایط زمانی و مکانی تعدیل شوند. پس برای دستیابی به این منظور باید این اهداف به‌طور مستمر و در فواصل زمانی مشخص، مورد ارزشیابی قرار گیرند تا بتوان در راستای ارتقای کیفیت و برآوردن نیازهای فرد و جامعه گام‌های مؤثری برداشت. (زوارکی و مقامی، ۱۳۹۶: ۵۲) بنابراین لازم است در اهداف ارزشیابی آموزشی و یا ارزشیابی کردن یک برنامه و یا خدمات باید شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد تحلیل قرار بگیرد و مطابق همان شرایط، اهداف ارزشیابی خود را دنبال نماییم.

به صورت خلاصه، می‌تواند مدعی شد که اندیشمندان اهداف متعدد و مختلفی را

برای ارزشیابی بیان کرده‌اند که بیان همه آن‌ها، خارج از توان این مقاله است؛ اما از باب آشنایی، به نظر دو اندیشمند در این زمینه اشاره می‌شود.

شعبانی هدف از ارزشیابی را به شرح زیر بیان می‌کند:

- شناخت توانایی و زمینه‌های علمی شاگردان و تصمیم‌گیری برای انجام فعالیت‌های بعدی آموزشی؛

- شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس؛

- بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی؛

- شناخت نارسایی‌های آموزشی شاگردان و ترمیم آن‌ها؛

- ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزشی در دانش‌آموزان؛

- ارتقای دانش‌آموزان. (زورکی و مقامی، ۱۳۹۶، ۵۲)

صفوی هدف از ارزشیابی را به شرح زیر بیان می‌کند:

- کسب شواهد و اطلاعات و پردازش آن‌ها، به منظور بهبود یادگیری دانش‌آموز و نیز تدریس معلم؛

- فراهم کردن اطلاعات متنوع که فراتر از نتایج آزمون‌های کتبی است؛

- مشخص کردن هدف‌های اساسی آموزش و پرورش و نیز تعیین میزان پیشرفت دانش‌آموزان در جهت این هدف‌ها؛

- کنترل کیفیت آموزش تا در هر مرحله از فرایند یاددهی-یادگیری معلوم شود که

این فرایند اثربخش بوده است یا خیر و مشخص شود در صورت اثربخش نبودن

چه اقدامات پیشگیر آن‌های باید صورت گیرد؛

- حصول اطمینان از اینکه تا چه حد به کارگیری شیوه‌های مختلف در رسیدن به

هدف‌های آموزشی و پرورش مؤثرند؛

سنجش تکوینی بازخوردهایی را در مورد میزان دستیابی دانش‌جویان به هدف‌های

نهایی در طی فرایند به آن‌ها ارائه می‌دهد. (زورکی و مقامی، ۱۳۹۶: ۵۳)



۲-۳. اهداف ارزشیابی آموزشی در افغانستان

در بالا ضمن اشاره به اهداف ارزشیابی آموزشی، به این نکته نیز اشاره شد که ارزشیابی دارای چارچوب‌های زمانی و مکانی است و از جایی به جایی دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت دارد. با توجه به این نکته، هدف از ارزشیابی آموزشی در افغانستان را می‌توان با توجه هدفی که برای ایجاد ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی در نظر گرفته‌اند، ارائه کرد؛ زیرا منابع دیگری که بتواند اهداف یا هدف از ارزشیابی آموزشی را برای ما بیان کند در دسترس نیست یا اینکه اهداف مدون برای این کار وجود ندارد. بنابراین با توجه به اهدافی که برای این ریاست در نظر گرفته شده است، می‌توان از آن، اهداف ارزشیابی آموزشی در افغانستان را استنباط نمود. وزارت تحصیلات عالی هدف از ایجاد ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی را چنین بیان نموده است: «هدف از ایجاد ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی، انکشاف سیستم تحصیلات عالی با کیفیت است. این اداره جریان ارتقای کیفیت اعتباردهی را راه‌اندازی، نظارت و مراقبت می‌داند. بنابراین می‌توان گفت که هدف از ارزشیابی آموزشی هم انکشاف سیستم تحصیلات عالی با کیفیت است و دیگر اینکه این اداره جریان ارتقای کیفیت و اعتباردهی را راه‌اندازی و نظارت می‌نماید». در نتیجه می‌توان از این متن دو هدف عمده را استنباط نمود:

اول اینکه هدف از ارزشیابی آموزشی، انکشاف سیستم تحصیلات عالی با کیفیت در کشور است.

دوم اینکه هدف ارزشیابی آموزشی در افغانستان این است که توسط ارزشیابی آموزشی، وزارت تحصیلات عالی جریان ارتقای کیفیت و اعتباردهی را راه‌اندازی و نظارت نماید. این دو می‌تواند هدفی برای ارزشیابی آموزشی در افغانستان نیز باشد. (ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی، ۱۴۰۱)

۴. نظام آموزش عالی افغانستان از تولد تا توسعه اولیه

آموزش عالی در افغانستان کمتر از صدسال قدمت دارد. دانشگاه کابل به‌عنوان



دانشگاه اصلی و مادر، اولین نهاد آموزش عالی در افغانستان است که در نوامبر ۱۹۳۲ با تأسیس دانشکده طب تأسیس شد و به تدریج با دانشکده‌های جدید توسعه یافت. این دانشگاه به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار، هم‌زمان تحت تأثیر تحولات سیاسی و نظامی در افغانستان طی چهار دهه گذشته قرار داشته است. دانشگاه کابل طی سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۷۸ پیشرفت‌های خوبی داشته و تغییرات مهمی را شاهد بوده است. در این دوره، سیستم آموزش عالی مدرن افغانستان در هسته دانشگاه کابل ایجاد شد. همان‌طور که در سال ۱۹۴۶ «قانون تأسیس دانشگاه کابل» وضع شد و در واقع بنیان فعالیت‌های آکادمیک و اداری آموزش عالی در افغانستان گذاشته شد و توسعه ساختاری دانشگاه کابل صورت پذیرفت. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل در سال ۱۹۳۸، دانشکده علوم ۱۹۴۲، دانشکده ادبیات ۱۹۴۴، دانشکده حقوق و شرعیات (اسلامی) ۱۹۵۱، دانشکده زراعت و مهندسی ۱۹۵۶، دانشکده اقتصاد ۱۹۵۸، دانشکده فارمسی ۱۹۵۹، دانشکده هنر در سال ۱۹۶۶ تأسیس شدند. با تأسیس این دانشکده‌ها، ۵۰ فی صد زیرساخت‌های موجود دانشگاه کابل شکل گرفت. (سایت اینترنتی دانشگاه کابل، ۱۴۰۱)

پیشینه تاریخی وزارت تحصیلات عالی افغانستان به سال ۱۳۵۶ برمی‌گردد که پس از تأسیس دانشکده طب کابل، دانشگاه ننگرهار و دانشگاه پولی تخنیک کابل ایجاد گردید. در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی برای انسجام مؤسسات تحصیلات عالی کشور، گسترش و توسعه نهادهای تحصیلی، وزارت تحصیلات عالی به‌مثابه بزرگ‌ترین ارگان فرهنگی تأسیس گردید. در سال ۱۳۷۳ بر اساس هدایت حکومت وقت، بخش تعلیمات تخنیکی و مسلکی و حرفوی از وزارت تحصیلات عالی و مسلکی جدا و به وزارت معارف ملحق گردید. (سایت اینترنتی وزارت تحصیلات عالی، ۱۴۰۱)

در برنامه‌های توسعه اول و دوم دولت افغانستان در سال‌های ۱۹۵۶-۱۹۶۷ میلادی (۱۳۳۴-۱۳۴۵ ش) توسعه دانشگاه از اولویت‌های دولت افغانستان بود و توجه جدی به ایجاد زیرساخت‌های آموزش عالی مدرن مبذول گردیده است. تأسیس



کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، بین‌المللی سازی، ارتقای ظرفیت اساتید، رشد تحقیقات علمی، ایجاد نشریه‌ها و... در این دوره صورت گرفت. در سال ۱۹۶۸، دانشگاه کابل ۳۸۶۰ دانشجو، ۴۳۹ استاد داخلی، ۱۸۶ استاد خارجی و ۳۵ استاد در دانشکده حقوق و در مجموع ۷۱۴ استاد مشغول تدریس و تحقیق داشت. در این دوره اکثر اساتید این دانشگاه از کشورهای پیشرفته دارای تحصیلات عالی دکتری بوده و این دانشگاه از جایگاه بالایی در منطقه برخوردار بوده است تا جایی که دانشجویان خارجی از خاورمیانه، آسیای میانه، اروپای شرقی و ایالات متحده در این دانشگاه مصروف تحصیل بوده‌اند. با فراز و نشیب‌های سیستم سیاسی، رشد و توسعه دانشگاه کابل نیز تغییر کرد. از سال ۱۹۹۲-۱۹۷۸، دانشگاه کابل پیشرفت و توسعه کمی را تجربه کرده است، به طوری که ساختار سازمانی این دانشگاه گسترش یافته و دانشکده زمین‌شناسی و علوم اجتماعی (۱۹۷۹) و دانشکده روزنامه‌نگاری (۱۹۸۰) به سازمان علمی و اداری تبدیل شده و تقریباً ۱۰ درصد بخش زیرساختی دانشگاه کابل توسعه یافته است. با این حال به دلیل اوضاع ناپه‌نجان سیاسی در کشور، دانشگاه کابل سرعت پیشرفت خود را از دست داده، منزوی و راکد شده است. بسیاری از اساتید با استعداد مجبور به ترک کشور شدند و روابط کاری دانشگاه کابل با سایر نهادهای معتبر ملی و بین‌المللی در این سال‌ها، بی‌ثبات یا متوقف شد و یا اصلاً قطع شد. (سایت اینترنتی دانشگاه کابل، ۱۴۰۱)

با شروع جنگ‌های داخلی در افغانستان از ۱۹۹۲-۱۹۹۶ دانشگاه کابل روزهای سختی را پشت سر گذاشت و تقریباً تمام امکانات آن از بین رفت. این دانشگاه محل درگیری بین گروه‌های متخاصم بود. در نتیجه بیشتر منابع مادی و معنوی آن از بین رفت و اکثریت اساتید و کارکنان در این دوره مهاجرت کردند و یا هم‌دست از کار تدریس و فعالیت برداشته و در خانه مستقر شدند. با سقوط کابل در سال ۱۹۹۶ زمینه برای حضور و تحصیل دانشجویان اناث فراهم نبوده و استادان زن شغل خود را از دست دادند. در این دوره، تنها ۳۰۰ استاد و ۳۰۰ دانشجو در این دانشگاه باقی ماندند. (سایت اینترنتی دانشگاه کابل، ۱۴۰۱)



۱-۴. دوره توان‌بخشی و پیشرفت ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱

این دوره، عصر احیا و توسعه مجدد دانشگاه کابل است. با تغییر نظام سیاسی افغانستان در سال ۲۰۰۱؛ افق دیگری برای این دانشگاه گشوده شد. دانشکده‌های علوم کامپیوتر، محیط‌زیست، مدیریت و سیاست‌های عمومی اخیراً تأسیس شده و دانشکده علوم به چهار دانشکده جداگانه تقسیم شده است: ریاضیات، فیزیک، زیست‌شناسی، بیولوژی و کیمیا و شیمی. تعداد دانشکده‌ها به ۲۲ دانشکده و ۱۰۱ گروه افزایش یافته است. به‌روزرسانی برنامه درسی در همه بخش‌ها، ایجاد ۲۳ برنامه ماستری و برنامه دکتری، استخدام کادر علمی جوان و افزایش کادر علمی به ۹۰۰ نفر، ارسال کارمندان دانشگاه به دانشگاه‌های خارجی برای تحصیلات تکمیلی، احیای تحقیقات علمی، احیاء و توسعه مشارکت با نهادهای ملی و بین‌المللی، تجهیز و نوسازی آزمایشگاه‌ها، دریافت سند اعتبار ملی، افزایش تعداد دانشجویان از ۳۰۰۰ نفر به ۲۵۰۰۰ نفر افزایش یافته است. بازسازی و تجهیز کلیه دانشکده‌ها، ایجاد کتاب‌خانه اختصاصی برای همه دانشکده‌ها، تأسیس مرکز فناوری اطلاعات، ایجاد ۴۰٪ زیرساخت‌های موجود، قانون جدید آموزش عالی تدوین و تصویب شد، رویه‌های جدید برای رفع ناسازگاری‌ها و شکاف‌ها ایجاد شد. سیستم‌های HEMID و HELMS طراحی و تطبیق شدند. سیستم رأی برای روسای ادارات ایجاد و اجرا شد. افزایش دانشجویان دختر به ۴۱٪، تهیه خوابگاه برای ۳۰۰۰ دانشجوی دختر و پسر، فراهم کردن امکانات بهتر برای دانشجویان نابینا، ایجاد یک سیستم شفاف برای مدیریت کارمندان دانشگاه و... (سایت اینترنتی دانشگاه کابل، ۱۴۰۱) این‌ها همه فعالیت‌ها و پیشرفت‌های بوده که از سال ۲۰۰۱ الی سقوط نظام جمهورییت اتفاق افتاده است. باآنکه آموزش عالی در افغانستان در دو دهه گذشته از پیشرفت‌های خوبی برخوردار بوده؛ اما مشکلات خود را داشت که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در بیست سال گذشته در اکثر ولایات که دانشگاه نداشته‌اند، از طرف دولت دانشگاه ایجاد شد و آموزش عالی دولتی و خصوصی از جمله پیشرفت‌هایی است که می‌توان به بیست سال گذشته نسبت داد.



۲-۴. موانع و چالش‌های ارزشیابی آموزشی

بدون شک در کنار این که برای هر فعالیت اجتماعی به خصوص آموزشی، فرصت‌های خوبی وجود دارد، موانع و چالش‌هایی که در همه جوامع سد راه ارزشیابی و یا راه‌های توسعه دانش می‌شود نیز وجود دارد؛ اما در جوامع و کشورهای در حال توسعه این موانع و چالش‌ها بیشتر از کشورهای پیشرفته به نظر می‌رسد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. محافظه کاری جامعه: یکی از موانع ارزشیابی آموزش در کشور ما، محافظه‌کار بودن جامعه به خصوص مدیران سطح اول است. این مدیران همه کوشش‌های خود را برای حفظ وضع موجود بکار می‌بندند و نمی‌خواهند در مورد توسعه و عصری سازی آموزش ریسک کنند یا اینکه توانایی مدیریت آن را ندارند. در این مورد باید گفت که در افغانستان همیشه مدیران رده بالایی بر اساس قومیت و به اساس مسائل سیاسی انتخاب می‌شوند نه بر اساس لیاقت و درجه تحصیل که این شیوه انتخاب، ضمن محافظه‌کار سازی آنان، بستر قدرت‌گیری بی‌لیاقت‌ها را فراهم می‌کند.

ب. نبود سیستم مناسب: مانع دوم می‌توان نبود سیستم و نهاد را نام گرفت که در سازمان‌های آموزشی، سیستم یا روشی از قبل تعیین شده وجود ندارد. زمانی فرد یا اشخاص در سازمان‌های آموزشی انتصاب، انتخاب و تبدیل می‌شوند با تبدیل افراد کارکردهای و اهداف و مأموریت هم تبدیل می‌شود؛ مثلاً وزیر یا رئیس که در یک سازمان آموزشی تعیین می‌شود، نخستین وظیفه خود را این می‌داند که کارکرد خوب و بد قبلی را حذف نموده و روش جدیدی را پیاده می‌نماید. این روش جدید هم بر اساس همان سنت‌های ناپسند اجتماعی و وابستگی‌های سیاسی محافظه‌کارانه است و بر اساس تخصص و یا استانداردهای بین‌المللی آموزش نیست.

ج. بی‌اعتنایی اجتماعی: مانع سوم می‌توان در عرصه ارزشیابی آموزشی یادآوری نمود، مانع اجتماعی است. به این معنا که جامعه و مردم در افغانستان در خصوص کارکردهای نهادهای جامعه بی‌اعتنا و بی‌باور هستند؛ یعنی می‌خواهند از طریق گروه‌های فشار و یا ایجاد جنبش‌های اجتماعی، فشاری بالای نهادها به خصوص

نهادهای آموزشی وارد نمایند تا تغییرات که لازم است ایجاد و پیاده گردد.

د. **عدم روش مناسب:** نبود روش‌ها یا روش‌های ارزشیابی آموزشی، یکی دیگر از موانع است یا اگر وجود دارد، قابل اجرا نیست. مثلاً نهادهای تحصیلی و دانشگاه‌هایی که در زمان جمهوریت بر اساس قومیت و حزب سیاسی تقسیم شده بودند، بدون شک می‌خواهند تنها منافع گروه‌های خود و منافع سیاسی خود را تضمین کنند. به همین منظور اگر روشی در این باره وجود داشته باشد که در تعارض با این منافع باشد، آن را اجرایی نمی‌کنند. در نتیجه این محافظه‌کاری و زورسالاری یکی از موانع مهم در عرصه ارزشیابی در خصوص آموزش عالی محسوب می‌شود.

ه. **نبود نهاد مستقل:** پنجمین مشکل یا مانع که در عرصه ارزشیابی آموزشی وجود دارد، نبود نهاد مستقل و کلان در این عرصه است. مثلاً نهادی که در افغانستان ارائه خدمات تحصیلی و آموزشی را بررسی و ارزشیابی می‌کند، نهاد ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی است. این ریاست ارزشیابی خدمات آموزشی به خصوص آموزش عالی را به عهده دارد که زیر نظر وزارت تحصیلات عالی افغانستان فعالیت می‌نماید. این یعنی اگر وزیر بخواهد، می‌تواند در فعالیت‌های این نهاد مداخله نماید. از سویی هم نهاد تضمین کیفیت و اعتباردهی وزارت تحصیلات عالی با تشکیلات کوچکی که دارد، نمی‌تواند هم‌زمان همه دانشگاه و نهادهای تحصیلی را نظارت نماید. باید یک اداره کلان با تشکیلات کلان و مستقل و بودجه مستقل باشد تا بتواند نظارت و کنترل خود را به شکل بهتر در نهادهای تحصیلی، حتی بر وزارت تحصیلات، به اجرا در بیاورد. در نتیجه این موارد از جمله موانع اساسی است که سد راه ارزشیابی آموزشی به خصوص آموزش عالی افغانستان قرار دارد. در واقع اگر مواردی که ذکر شد بالای آن‌ها کار صورت گیرد و اصلاحات به میان بیاید بدون شک از موانع و مشکلات در امر ارزشیابی آموزشی در افغانستان کاسته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه می‌توان گفت که ارزشیابی آموزشی نقشی مهمی در توسعه آموزش عالی



دارد و به هیچ وجه نمی توان از آن چشم پوشی کرد. با توجه به سؤال و فرضیه تحقیق، ارتباط ارزشیابی آموزشی با توسعه آموزشی عالی رابطه بسیار واضح است. اگر برای آموزش عالی ارزیابی یا ارزشیابی وجود نداشته باشد، نمی توان به توسعه آموزشی دست یافت. بدون شک ارتقای آموزش و بهبود وضعیت آموزش عالی، نیازمند برنامه ریزی سنجیده تر و در بسیاری از موارد نیازمند ارزشیابی آموزشی است. در نتیجه آموزش عالی به عنوان عالی ترین نهاد تولید دانش از اهمیت ویژه ای در هر جامعه برخوردار است که هدف آن تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز برای یک جامعه است. ترویج و توسعه آموزش عالی یا فراهم کردن زمینه های رشد آن، ایجاد شرایط مناسب برای شکل گیری آموزش عالی وظیفه هر آگاه امور است. تحقق این اهداف وقتی امکان پذیر است که نهادهای آموزشی عالی به خصوص وزارت تحصیلات عالی به عنوان عالی ترین مرجع تولید دانش، دارای ساختاری عالی و مناسب باشد. این ها ممکن نیست مگر با ارزشیابی آموزشی. توسط ارزشیابی آموزشی ما می توانیم به نظام آموزشی عالی پویا که جوابگوی وضعیت جامعه ما باشد، برسیم. در نهایت می توان گفت ارزشیابی نقش مؤثر و مهمی در توسعه آموزش به خصوص آموزش عالی دارد.

از آنجاکه در افغانستان نهادی وجود ندارد که به شکل سازمان یافته از محتویات آموزشی نظارت و ارزشیابی نماید، ضروری است که نهادی در این زمینه با تشکیل کلان ساخته شود. نهاد فعلی که در چوکات وزارت تحصیلات عالی فعالیت می نماید، سالانه فعالیت های نهادهای آموزشی را بررسی و ارزشیابی می کند که این می تواند کم کاری را در این زمینه نشان دهد. ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی باید ماهانه گزارش از ارائه خدمات آموزشی، از نهادهای آموزشی داشته باشد و برای هر دانشگاه باید یک تیمی از اعضای نظارت از طرف ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی وجود داشته باشد و این تیم به خاطر هر چه بهتر انجام شدن ارزشیابی و نظارت و جلوگیری از فساد باید هر شش ماه تغییر نماید.

فهرست منابع

الف. کتب و مقالات

۱. انوری، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن.
۲. زارعی زوارکی، اسماعیل و مقامی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، ارزشیابی نظام‌های کوچک آموزشی. تهران: نشر سمت.
۳. سیف، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، چاپ سی و هفتم. تهران: نشر دوران.
۴. عظیمی، عبدالواسع، (۱۳۹۸)، سنجش و ارزیابی تربیتی برای رشته‌های غیراختصاصی، کابل: انتشارات سعید.
۵. موسی پور، نعمت‌الله، (۱۳۸۱)، مبانی نظری الگوهای ارزشیابی آموزشی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۲۳ و ۲۴.
۶. نادری، سوسن، (۱۳۹۵)، شیوه‌های نوین ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، نهمین کنفرانس آموزشی شیمی ایران، ۵ تا ۶ شهریورماه.

ب. پایگاه‌های اینترنتی:

۷. سایت اینترنتی دانشگاه کابل: [/https://ku.edu.af/dr](https://ku.edu.af/dr)
۸. سایت اینترنتی ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی: [/https://qaad.edu.af](https://qaad.edu.af)
۹. سایت اینترنتی وزارت تحصیلات عالی: [/https://www.mohe.gov.af](https://www.mohe.gov.af)